

نگاه

دادستان تهران خبر داد

تعقب مدیران شهرداری بابت تخلف احتمالی

● **میزان:** دادستان تهران از ارجاع گزارش مربوط به واگذاری املاک شهرداری و حقوق های نجومی به دادسرای تهران خبر داد و گفت: «بازداشت یاشار سلطانی ارتباطی به پرونده واگذاری املاک شهرداری ندارد».
نشست دادستانی تهران در موضوع جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان، با حضور معاونان دادستان، سرپرستان نواحی دادسرای تهران، سرپرستان دوابر نظارت زندان ها و قضات ناحیه ۲۰ دادسرای تهران (ویژه مواد مخدر) که به این دسته از جرائم رسیدگی می‌کند، به ریاست عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران، برگزار شد.
دادستان تهران برخی پرونده‌های مهم مطرح‌شده در دادسرای تهران را مورد توجه قرار داد و گفت: «در یکی، دو ماه اخیر چندین پرونده فساد مهم اقتصادی در دادسرای تهران مفتوح شد که بازتاب رسانه‌ای آن بعضاً منطبق با واقعیت نیست، این موضوع ایجاب می‌کند به منظور تنویر افکار عمومی توضیحاتی ارائه شود. پرونده اول موسوم به واگذاری املاک شهرداری در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۳ با دستور رئیس محترم قوه قضائیه خطاب به دادستان کل مفتوح شد و گزارش دادستانی کل روز گذشته از سوی رئیس محترم قوه قضائیه برای رسیدگی به دادسرای تهران ارجاع شد.»

رسیدگی به پرونده‌ها بدون توجه به جریان‌های سیاسی
تأکیه کرده‌ایم که سیاست قوه قضائیه و اولویت دادسرای تهران رسیدگی به جرائم اقتصادی و مبارزه با فسادهای کلان است، این پرونده را مصداقی از این نوع پرونده‌ها خواند و رویکرد دادستانی را رسیدگی به پرونده‌های مهم بدون توجه به گرایش‌های سیاسی متهمان اعلام کرد و گفت: «دادستانی تهران با هیچ‌کس عقد اخوت نیسته و در حدود مقررات، تحقیقات انجام خواهد شد».
دادستان تهران چهار محور موجود در دستور رئیس قوه قضائیه برای رسیدگی به پرونده املاک شهرداری را شامل سرعت در رسیدگی، نظارت شخص دادستان بر امر تحقیقات، انجام تحقیقات جامع و کامل و ارائه نتیجه نهایی به رئیس قوه قضائیه و مردم اعلام کرد. او از ارجاع این پرونده به یکی از شعب دادسرای کارکنان دولت خبر داد و افزود: «نتایج تحقیقات به اطلاع عموم خواهد رسید».
دولت‌آبادی با خاطرنشان‌کردن این نکته که درحال‌حاضر نمی‌توانیم درباره پرونده املاک شهرداری اظهارنظر کنیم، علت را کثرت و تنوع مدارک، ضمائم و موضوعات مندرج در گزارش دانست و اعلام کرد: «پس از پیشرفت تحقیقات، اعلام نظر خواهد شد».
دادستان تهران به واکنش‌ها درباره اظهارنظر دادستان کل پیرامون این پرونده در رسانه‌ها نیز توجه نشان داد و در این راستا از چند رویکرد رسانه‌ای یاد کرد و گفت: «عده‌ای گفتند با این اظهارنظر دادستان کل، کار تمام شد و متهمان مرتبط با پرونده ترشه شدند. چنین نتیجه‌ای غلط و اشتباه است؛ زیرا تا رسیدگی انجام نشود، اعلام نتیجه نامناسب است». او بازتاب دیگری را که جرم را دصردارد از تک‌باافته می‌دانست نیز مبنی بر اشتباه خواند و در تبیین نظر سوم مبنی بر اینکه آن‌قدر تحقیقات و رسیدگی را طول می‌دهند که از یاد‌ها برود، ادامه داد: «تصریح رئیس قوه قضائیه و قید تسریع در رسیدگی، این پیش‌داوری را رد می‌کند».

منع رسانه‌ها از پیش‌داوری جانب‌دارانه نسبت به پرونده‌ها

دادستان تهران از مطبوعات و رسانه‌ها خواست پیش‌داوری جانب‌دارانه انجام ندهند و اجازه دهند دادستانی تحقیقات را پیش ببرد و از همه افراد مرخص با پرونده تحقیق کند؛ او در کنایه به این پیش‌داوری‌ها با ذکر اینکه عده‌ای از ظن خود را ما شدند ابراز امیدواری کرد رسیدگی به این پرونده افتخار قوه قضائیه و برگ زرینی در عملکرد دادسرای تهران باشد.
دولت‌آبادی با خاطرنشان‌کردن اینکه دستگاه قضائی وظیفه دارد با فساد در همه ابعاد و جنبه‌ها و همچنین به همه مجرمان مبارزه کند، این وظیفه را توجیهی بر تضییع حقوق افراد ازجمله متهمان ندانست و گفت: «حق کسی نباید ضایع شود و اجازه دهند تحقیقات به صحت و بدون حب و بغض پیش برود و مسئولان شهرداری هم مکلف به همکاری با بازپرس پرونده هستند».
دادستان تهران در تفکیک پرونده واگذاری املاک شهرداری و بازداشت متهمی که گزارش سازمان بازرسی کل کشور را انتشار داده بود، تصریح کرد: «با بازداشت یاشار سلطانی، عده‌ای گفتند بازداشت این فرد برای جلوگیری از افشای فساد بوده؛ این برداشت صحیح نیست و این دو مطلب ارتباطی به هم ندارند. مدیران شهرداری از بابت تخلف احتمالی تعقیب می‌شوند، اما این امر به منزله مجازبودن اقدام سیاست‌دار به انتشار نامه متضمن تحقیقات مقدماتی مراجع قضائی نیست».
او در رد استنباط اخیر، با طرح این سؤال که چگونه می‌توانیم با فساد مبارزه کنیم اما کسی را که معتقد به مبارزه است بازداشت کنیم، افزود: «این توجیه آقای حکیمی‌پور مدعی است دادستان نامه سازمان بازرسی را را به امانت به سلطانی داده، پذیرفته نیست. یاشار سلطانی قبل از انتشار نامه و پیش از این حوادث با افرادی درباره اقدام خود مشورت کرده بود؛ بنابراین می‌دانست انتشار نامه مذکور ممنوع است و این کار با طراحی قبلی انجام شده است».

ادامه در صفحه۱۹

ادامه از صفحه ۶

دیروز به‌سهولت گفته می‌شد، امروز سعی در لاپوشانی و مخفی‌کاری آن است؛ به حدی که اگر کسی [آن مطالب] را بگوید، تکذیب شده و گفته می‌شود که اینها حرف جدیدی است.
بله! برای این نسل و در این فضا برای این مخاطبان البته جدید است؛ ولی اصل حرف هرگز جدید نیست.
در منابع خیلی بالاتر از اینها هم چیزهایی وجود دارد؛ ولی خب مطرح نشده است.
حالا افرادی که مطرح کرده‌اند، مقصر هستند؟ یا کسانی که کتمان می‌کنند؟ اینها بحث علمی نیست که چرا مطرح نکردند یا چرا حالا اصلا مطرح می‌کنند و هیچ‌کدام از اینها مشکلی را به لحاظ علمی حل نمی‌کند، اما اصل اینکه چنین اتفاقی افتاده یا نه، در منابع تاریخی وجود دارد.
نکته بعدی این است که نوع تعامل علمای ما در گذشته با این نغل‌های تاریخی چه بوده است؟ آیا رد کردند و گفتند دروغ است یا نه، پذیرفتند؟ علمای ما همین نقل مذاکره را نه از لسان عمرین‌سعد، بلکه با نقل مستقیم خود مطرح کردند و هیچ کسی هم هیچ حساسیتی نداشت است.

بحث سر فحوای قیام امام حسین(ع)

چه کسی گفته فحوای قیام امام اصرار بر جنگ است؟ خیر. اصلا بحث جنگ‌کردن نیست. پیشنهاد اول این است که اجازه دهید من برگردم که موضوع علنی و آشکار بوده است. پیشنهاد دوم این است که بگذارید من به یک نقطه دوردست بروم.

کایمی‌پذیرند که امام حسین(ع) این حرف را گفته باشد.
این قسمت را که علمای معاصر ما مثل دکتر آیتی و شهید مطهری هم می‌پذیرند. ببینید! اگر منبع معتبری برای این مطلب وجود دارد، شواهد و قرائن هم در همان زمان موجود است. آیا ما مجاز به رد آن هستیم؟! به لحاظ منابع شما می‌گویند که ما امروز این سخن را می‌شنویم که امام حاضر به مذاکره با یزید بوده. الان من برای شما می‌خوانم: تعبیری که شیخ طوسی دارد این است که می‌گوید: بعد از اینکه سپاهیان حر آمدند، حضرت فرمودند که بگذارید ما برگردیم اجازه ندادند. امام حسین(ع) مسیر را ادامه دادند. به کدام سو ادامه دادند؟ آیا به طرف کوفه بود؟ حر گفت کوفه نباید بروید، پس کدام سو باید می‌رفتند؟ ایشان این بحث را مطرح می‌کنند که امام حسین(ع) گفتند: «به کوفه و مکه که اجازه نمی‌دهید، من به طرف شام حرکت می‌کنم و می‌روم نزد یزید تا ببینم چه می‌شود». اصلا امام حرکت کرده بود و این دیگر ربطی به قصه عمرین‌سعد ندارد، این مربوط به هشت روز قبل از عاشورا و قبل از آمدن عمرین‌سعد به کربلا است. عبارت این است: «ثم الحر و منه من الانصراف و سامه ان يقدم علی یحیی بن نازلا علی حکمه فامتنع. و اما رای الا سبیل الی العود و لا الی دخول الکوفه سکل طریق الشام ساثرا نحو یزید لعلمه بان عه علی مابه ارق من این زیاد» سپاهیان حر آمدند جلوی امام حسین(ع) را گرفتند که

این واقعه مربوط به روز دوم محرم می‌شود. آنها می‌گفتند باید تسلیم ابن‌زیاد شوید، هرچه او گفت حضرت زیر بار حکم تسلیم نرفت. «و لما رای...» وقتی حضرت دید که راهی برای برگشت نیست، راهی برای ورود به کوفه هم نیست، را شام را پیش گرفت. حضرت در مسیر بود که روز بعد، عمر سعد رسید. «...یزید بن معاویه»، «امام گفت» که

نزد خود یزید می‌رویم؛ یعنی اگر می‌خواهیم صحتی کنیم با خود او صحبت می‌کنیم. حالا اینجا یک سؤال مطرح می‌شود که چه فرقی می‌کند حضرت تسلیم عبدالله شود یا نزد یزید برود؟ درباره یزید، بحث تسلیم‌شدن مطرح نبود. امام گفت می‌روم یا او (یزید) صحبت می‌کنم. خب! تفاوت این ماجرا چه بود؟ تفاوتش جمله‌ای است که شیخ طوسی و علمای دیگری هم گفته‌اند و آن این است که حضرت گفتند من می‌روم پیش یزید: «ارق من ابن زیاد» یعنی حضرت می‌دانست که یزیدین معاویه نسبت به عبدالله‌بن زیاد انعطاف‌پذیرتر و عاطفی‌تر است. به‌همین دلیل به طرف شام حرکت کرد و حوادث بعدی اتفاق افتاد. اصلا حرف این نیست که مطلب جدیدی در تاریخ کشف شده باشد. تاریخ ما از این مطالب پر است. این کتاب، «تاریخی» نیست و بالاتر از آن یعنی «کلام» است، یعنی به استناد تاریخ، واقعه عاشورا را تحلیل لاسی و اعتقادی می‌کند. مطلبی که ممکن است طرح شود این است که عزت چه می‌شود؟ امام حسین(ع) آنچه را که در روز عاشورا نفی کرد، ذلت است. این کدام ذلت است، عبدالله چه چیزی خواسته بود؟ او خواسته بود که امام حسین(ع) باید تسلیم من شود که در همه منابع تاریخی هم موجود است. اصلا مسئله این نبود که با یزیدین معاویه صحبت کند. موضوع این بود که عبدالله گفته بود حسین تحت حرم و اراده

سیاست

خط قرمزهای امام حسین(ع) کجاست؟



او درآیرد و امام حسین(ع) هم قبول نکردند. این نغل‌های تاریخی چه بوده است؟ آیا رد کردند و گفتند دروغ است یا نه، پذیرفتند؟ علمای ما همین نقل مذاکره را نه از لسان عمرین‌سعد، بلکه با نقل مستقیم خود مطرح کردند و هیچ کسی هم هیچ حساسیتی نداشت است.

بحث سر فحوای قیام امام حسین(ع)

چه کسی گفته فحوای قیام امام اصرار بر جنگ است؟ خیر. اصلا بحث جنگ‌کردن نیست. پیشنهاد اول این است که اجازه دهید من برگردم که موضوع علنی و آشکار بوده است. پیشنهاد دوم این است که بگذارید من به یک نقطه دوردست بروم.

کایمی‌پذیرند که امام حسین(ع) این حرف را گفته باشد.
این قسمت را که علمای معاصر ما مثل دکتر آیتی و شهید مطهری هم می‌پذیرند. ببینید! اگر منبع معتبری برای این مطلب وجود دارد، شواهد و قرائن هم در همان زمان موجود است. آیا ما مجاز به رد آن هستیم؟! به لحاظ منابع شما می‌گویند که ما امروز این سخن را می‌شنویم که امام حاضر به مذاکره با یزید بوده. الان من برای شما می‌خوانم: تعبیری که شیخ طوسی دارد این است که می‌گوید: بعد از اینکه سپاهیان حر آمدند، حضرت فرمودند که بگذارید ما برگردیم اجازه ندادند. امام حسین(ع) مسیر را ادامه دادند. به کدام سو ادامه دادند؟ آیا به طرف کوفه بود؟ حر گفت کوفه نباید بروید، پس کدام سو باید می‌رفتند؟ ایشان این بحث را مطرح می‌کنند که امام حسین(ع) گفتند: «به کوفه و مکه که اجازه نمی‌دهید، من به طرف شام حرکت می‌کنم و می‌روم نزد یزید تا ببینم چه می‌شود». اصلا امام حرکت کرده بود و این دیگر ربطی به قصه عمرین‌سعد ندارد، این مربوط به هشت روز قبل از عاشورا و قبل از آمدن عمرین‌سعد به کربلا است. عبارت این است: «ثم الحر و منه من الانصراف و سامه ان يقدم علی یحیی بن نازلا علی حکمه فامتنع. و اما رای الا سبیل الی العود و لا الی دخول الکوفه سکل طریق الشام ساثرا نحو یزید لعلمه بان عه علی مابه ارق من این زیاد» سپاهیان حر آمدند جلوی امام حسین(ع) را گرفتند که

این واقعه مربوط به روز دوم محرم می‌شود. آنها می‌گفتند باید تسلیم ابن‌زیاد شوید، هرچه او گفت حضرت زیر بار حکم تسلیم نرفت. «و لما رای...» وقتی حضرت دید که راهی برای برگشت نیست، راهی برای ورود به کوفه هم نیست، را شام را پیش گرفت. حضرت در مسیر بود که روز بعد، عمر سعد رسید. «...یزید بن معاویه»، «امام گفت» که

نزد خود یزید می‌رویم؛ یعنی اگر می‌خواهیم صحتی کنیم با خود او صحبت می‌کنیم. حالا اینجا یک سؤال مطرح می‌شود که چه فرقی می‌کند حضرت تسلیم عبدالله شود یا نزد یزید برود؟ درباره یزید، بحث تسلیم‌شدن مطرح نبود. امام گفت می‌روم یا او (یزید) صحبت می‌کنم. خب! تفاوت این ماجرا چه بود؟ تفاوتش جمله‌ای است که شیخ طوسی و علمای دیگری هم گفته‌اند و آن این است که حضرت گفتند من می‌روم پیش یزید: «ارق من ابن زیاد» یعنی حضرت می‌دانست که یزیدین معاویه نسبت به عبدالله‌بن زیاد انعطاف‌پذیرتر و عاطفی‌تر است. به‌همین دلیل به طرف شام حرکت کرد و حوادث بعدی اتفاق افتاد. اصلا حرف این نیست که مطلب جدیدی در تاریخ کشف شده باشد. تاریخ ما از این مطالب پر است. این کتاب، «تاریخی» نیست و بالاتر از آن یعنی «کلام» است، یعنی به استناد تاریخ، واقعه عاشورا را تحلیل لاسی و اعتقادی می‌کند. مطلبی که ممکن است طرح شود این است که عزت چه می‌شود؟ امام حسین(ع) آنچه را که در روز عاشورا نفی کرد، ذلت است. این کدام ذلت است، عبدالله چه چیزی خواسته بود؟ او خواسته بود که امام حسین(ع) باید تسلیم من شود که در همه منابع تاریخی هم موجود است. اصلا مسئله این نبود که با یزیدین معاویه صحبت کند. موضوع این بود که عبدالله گفته بود حسین تحت حرم و اراده

هیچ خط قرمز دیگری مطرح نبود.
ما این در کتاب آیت‌الله بهجت هست؟
در کتاب آیت‌الله بهجت، در نقل‌ها و مطالب ایشان موجود است. ایشان برخی از مورخین را نقد می‌کنند. امام حسین(ع) تنها چیزی که نفی می‌کرد، این بود که من تسلیم عبدالله نمی‌شوم. بقیه راه‌ها باز بود و می‌توانست هرکدام را انتخاب کند. ولی فرصت ندادند.

ما نظراتن درباره آن نقل غلام رباب که پیشنهاد رقتن به شام را رد می‌کند، چیست؟
غلام رباب که نام او «عقیه بن سمعان» است، می‌گوید: «من همراه امام حسین(ع) بودم تا هنگام شهادت و امام حسین(ع) چیزی در این زمینه که می‌خواهم یزید را ببینم و دستم را در دست او قرار دهم یا کبوج کند به یکی از سرحداث نشنیدم». خب! اینکه ایشان چیزی را نشنیده، دلیل بر این نیست که چنین چیزی اتفاق نیفتاده باشد. مهم این است که آیا این نقل، واقعا نقل قابل اعتمادی هست یا نه؟! درباره این غلام، دو روایت وجود دارد؛ یکی اینکه این فرد روز عاشورا فرار کرد و عمرین‌سعد او را دستگیر کرد و گفت غلامم و به‌دلیل اینکه غلام بود، عمرین‌سعد او را آزاد کرد؛ اما نقل دیگر که علمای ما این نقل را قبول کردند، این است که این غلام، جزء اصحاب امام حسین(ع) بود و روز عاشورا به شهادت رسید و بر این اساس این روایت‌ها که بعد از او نقل می‌کنند، همه بی اعتبار

سیاست

بهنایه ای قرار می‌گیرد برای کارهای غیرحکیمانه و غیرعقلانه و برخورد‌های منافی با حکمت و مصلحت؛ باید اینها را گفت؛ ما باید این اشکال را برطرف کنیم و راه رفع‌کردن هم همین است. در هر دوره‌ای که یک قسمت فربه می‌شود، یعنی تناسب اعضای خود را از دست می‌دهد، باید بر قسمت دیگری از آن تأکید کرد. ما گزینشی عمل نکردیم، این عکس‌العملی است به کسانی که گزینشی عمل کردند.

ما مخاطب ما جریان روشنفکر دینی است که احساس می‌کند باید از برش‌هایی از تاریخ دینی، قرانت و خوانشی برای جامعه امسروز دریاورد، به‌گونه‌ای که بتواند دین را با مقتضیات جامعه امسروز منطبق کند. اصلا چه لزومی دارد که برای نیازهای روز جامعه، همواره از دل تاریخ دینی شاهد مثالی پیدا کنیم و بشویم اینها را به یکدیگر پیوند بدهیم؟
بله. من قبول دارم. ولی مطالبی که بنده مطرح کردم مصداق این صحبت نیست. اگر تعبیر روشنفکر دینی را کنار بگذاریم، من به‌عنوان یک طلبه که در حوزه درس خواندم و تدریس می‌کنم و کارم مطالعات اسلامی است، پیوسته درباره این مسائل صحبت می‌کنم. حالا وقتی یک شخص در محرم و صفر ۲۰ تا ۳۰ جلسه بحث، سخنرانی و گفت‌وگو دارد، اگر در یک جلسه از این تعدادی که اشاره شده، موضوع مذاکره را مطرح کند، زیاد است؟ در این جلسات باید پازلی را که کل قصه عاشورا را تشکیل می‌دهد، بازگو کنیم، آن وقت این قسمت را ما حذف کنیم؟ این هم باید به اندازه خود موضوع مطرح شود.

ما تا امروز به این شکل مطرح نشده است.
برای اینکه حساسیت فضای جامعه ما نسبت به این مسائل بیشتر شده است. سال گذشته فرزند آیت‌الله جوادی‌آملی بحث مذاکره را مطرح کرد، اما تا این حد حساسیت وجود نداشت و انعکاس زیادی هم پیدا نکرد. امروز خب حساسیت‌های بیشتری وجود دارد، به‌خصوص بعد از اینکه آقای روحانی مسئله را مطرح کردند. شما به بنده اعتراض نکنید که چرا این موضوع را مطرح کردید، به اشخاصی که بخش‌هایی از تاریخ را سانسور می‌کنند بگویید چرا سانسور می‌کنید.

چرا الان این موضوع مطرح شده، چرا در سال‌های گذشته مطرح نکردید؟
شما وقتی یک بخش‌هایی را بیشتر در جامعه مورد تأکید قرار می‌دهید، فربه‌تر می‌شود. آن وقت انسان احساس ضرورت می‌کند که بخش دیگری را در کنار آن قرار دهد که تعادلی به وجود آید. واقعیت مسئله این است که ما در مسائل سیاسی تا زمانی که پشتوانه سیاست‌های خود را نبودند، بلکه جزء علمای به‌اصطلاح مقدس یا محافظه‌کار بودند و در همان زمان به الگوهای دیگری استناد می‌کردند که آن هم جنبه تاریخی‌ای دارد و در حقیقت یک بخشی از تاریخ انتخاب می‌کردند، بنابراین متصفانه نیست که ما این اشکال و این ضعف را فقط به یک گروه از اندیشمندان خود نسبت دهیم.
بله! در گرایش‌های مختلف پیوسته ما با این مشکل مواجه بوده‌ایم که گزینشی

عمل می‌کردیم و می‌کنیم و نتیجه آن این است که از تاریخ برای اهدافی که خودمان از قبل تعریف و انتخاب کرده‌ایم، استفاده می‌کنیم. درحالی‌که این روش، روش درستی نیست. این مسئله به تاریخ هم اختصاص ندارد؛ همین بلایی که سر سنت، سیره و تاریخ انمه آورده‌اند، سر قرآن هم آورده‌اند؛ بین اینها فرقی

وجود ندارد. هرکسی با یک برش و نگاهی و با انتخاب، از بخشی از آیات قرآن یک هدف را دنبال می‌کند. البته از هیچ‌کدام هم نمی‌توان دفاع کرد و هیچ‌کدام هم درست نیست. [هم‌اکنون]

امام حسین(ع) سمبل یک سری از شعارها تلقی می‌شود. این در حالی است که تحلیل نمی‌شود معنای عزت و ذلت در دیدگاه امام حسین(ع) چیست، وقتی در جامعه تحلیل نمی‌شود، سوءاستفاده خواهد شد؛ بنابراین بخش‌هایی از واقعه کربلا را به‌عمد نادیده می‌گیرند که منابع آن وجود دارد. تکلیف یک عالم دینی چه روشنفکر و چه غیرروشنفکر، چیست؟ آیا این نیست که قسمت‌هایی را که خوانده نشده نمی‌شود یا بناسط خوانده نشود یا کسی متوجه آن نشود، قرانت کند؟ این قرانت، در برابر فضایی است که به وجود می‌آید. امام حسین(ع) از ذلت گریزان نبود، آیا تعریف خاصی از ذلت برای امام حسین(ع) مطرح بود یا نه؟ برای نمونه اتفاقی را که برای فرزندان و خاندان امام حسین(ع) در دوران اسارت رخ داد، چگونه می‌توان با اصل ذلت‌پذیرنبودن امام حسین(ع) تطبیق داد؟

از طرفی، این اصل نپذیرفتن ذلت مگر برای امام مجتبی مطرح نبود؟ مگر فرقی بین امام حسین(ع) و امام حسن وجود دارد؟ چرا آنجا امام حسن به مصالحه با معاویه تن می‌دهد؟ در جامعه‌ای که بنیید امروز فضایی به وجود آمده که عزت از حکمت جدا می‌شود، در اینجا، عزت

است و البته هرکسی که این کار را با این روش انجام دهد و بخواده شبیه‌سازی کند، این روش، روش غلطی است.
ما خود شما فکر نمی‌کنید که چون نیاز روز جامعه الان مذاکره است، این بحث را مطرح کردید؟
خیر. هرگز این‌گونه نیست! اتفاقا عکس آن مطرح است، چون از امام حسین(ع) در این زمینه سوءاستفاده می‌شود، من وارد شدم و قسمت‌هایی از تاریخ را که کمتر خوانده می‌شود، خواندم؛ نه برای اینکه اثبات کنم مذاکره حق است. عنوان صحبت من هم همین بود «امکان یا امتناع»؛ هرگز من دنبال این نبوده و نیستم که اثبات می‌خواهم حسین(ع) مذاکره کرده است. من می‌خواهم بگویم امکان این راه برای امام حسین(ع) بوده و این موضوع هم از نظر تاریخی و هم از نظر کلامی ثابت است.

ما قبلا چندر به این موضوع اشاره کردید؟
عصده بحث‌هایی که درباره امام حسین(ع) داشتم به‌صورت سخنرانی در سال‌های گذشته است که جمع‌آوری نمی‌شد. حالا با توجه به امکان ارتباطاتی که وجود دارد، امسال این سخنرانی‌ها در هر جلسه به وسیله تلگرام منتشر شده است (با خنده). به گوش افراد رسید و عکس‌العمل داشته است. چه‌بسا اگر در سال‌های قبل هم این امکان فراهم بود، عکس‌العملی به همراه داشت!

روزنه

وزیر دادگستری:

بسج نباید با هویت نظامی وارد انتخابات شود

● **حجت‌الاسلام «مصطفی پورمحمدی»:** وزیر دادگستری درباره لایحه انتخاباتی و سیاست‌های کلی انتخابات مصاحبه‌ای با «نامه نیوز» داشته. او در این گفت‌وگو به تبیین سیاست‌های کلی انتخابات و چگونگی آماده‌سازی آن می‌پردازد. بخش‌هایی از این گفت‌وگو که «سامان صابریان» آن را انجام داده، در ادامه می‌آید.

● **زمانی که در دولت نهم به عنوان وزیر کشور در حال فعالیت بودم در ابتدا نامه‌ای خدمت مقام معظم رهبری نوشتم و مشکلاتی را بیان کردم و ایشان نیز این مسئله را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع دادند تا بررسی شود.** در ادامه مجمع نیز کلیات را تصویب کرد و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز دستور دادند به عنوان سیاست‌های کلی در دستور کار قرار بگیرد و بررسی شود؛ البته خیلی طول کشید و از سال ۸۷ این بررسی‌ها شروع شد، در سال ۸۸ توقفی داشت و سرانجام بعد از ملاحظات نهایی شاهد آن هستیم که این سیاست‌ها ابلاغ شد.

آنچه به عنوان سیاست‌های کلی انتخاباتی از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است نیاز جدی امروز جامعه ماست؛ ازسوی‌دیگر به دلیل حساسیت و توجه جدی همه اقشار به مباحث انتخابات، بیشترین تغییرات را ما در قوانین انتخاباتی شاهد بودیم که با این سیاست‌ها می‌توان مشکل را حل کرد. اطلاع دارید که ما در کشور چندین نوع انتخابات داریم و هرکدام نیز قوانین متفاوتی دارند و این روش مناسب نیست.

● **معتقدم مهم‌ترین بخش این ابلاغیه**

زمان دارکردن قوانین انتخاباتی است که نوشتند، قانون‌های مربوط تا درازمدت تغییر داده نشود و اگر هم قرار است تغییری در میان باشد با تصمیم دوسوم نمایندگان صورت گیرد که همین مانعی در برابر تغییرات زود هنگام و سلیقه‌ای است و به نظرم این موضوع از ارکان این سیاست‌های ابلاغی محسوب می‌شود.

● **پول تمیز هم باید شناسنامه‌دار شود.**

هزینه‌های انتخاباتی افراد باید قاعده‌مند شود؛ چراکه امروزه افراد و تشکل‌هایی که قدرت مالی دارند، توانایی جذب افکار عمومی بیشتری نیز دارند و این صحیح نیست. باید سقفی برای هزینه‌ها در نظر گرفته و مکان خرج آن نیز مشخص شود. کاندیداهای از ابتدای فعالیت‌های انتخاباتی باید شماره حسابی خاص را معرفی و آن را نیز به ستاد انتخاباتی کشور اعلام کنند و از این طریق دخل‌وخرج‌ها مشخص می‌شود.

● **از سبونی نیز اگر پولی هزینه شد و از آن شماره حساب نبود، تخلف انتخاباتی محسوب شده و قابل تعقیب است؛** یعنی هر کاندیدای باید برای هزینه‌هایی که انجام می‌دهد اسناد لازم را ارائه دهد تا از سوی بازرسان این موضوع بررسی شود.

● **تاکنون در انتخابات‌های مختلف غیر از خبرگان که صلاحیت‌ها، شرایط ویژه‌ای داشت هرکسی که دارای شرایط عمومی بود در انتخابات ثبت‌نام می‌کرد و این سبب می‌شد تا برای مثال در انتخابات ریاست‌جمهوری بیش از هزار نفر ثبت‌نام کنند که این ماجرا هزینه‌های فراوانی برای کشور داشت؛ ولی باید شرایطی را تعیین کنیم که آن کسانی که از طرق مختلف مورد تأیید نخبگان، مدیران، علما و نمایندگان هستند نتوانند وارد عرصه شوند و این خود غربالی اولیه است.**

● **این بند (دهم) به رد و قبول‌های سلیقه‌ای نیز پایان می‌دهد؛ به‌ویژه اینکه در آن اشاره می‌کند شورای نگهبان باید از مدت‌ها قبل شرایط افراد را به عنوان رجل سیاسی اعلام کند.** به‌نوعی موضوع عدم احراز صلاحیت دیگر از بین خواهد رفت و باید قاطعانه اعلام کنند که افراد برای حضور در انتخابات صلاحیت دارند یا خیر.

● **دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح به هیچ شکل حق دخالت و تأثیرگذاری در انتخاب را ندارند و باید این بند اجرایی و قوانین لازم اعلام شود.**

● **بسج اگر به عنوان یک واحد نظامی با هویت نظامی فعالیت می‌کند نباید وارد انتخابات شود، ولی افراد بسیجی که همین شهروندان عمومی جامعه هستند و می‌خواهند نام‌نام این امر اجتماعی و سیاسی داشته باشند، ایرادی ندارد؛ البته همین افراد نیز نمی‌توانند با امکانات واحد خود و در قالب تشکیلات خود در انتخابات فعالیت کنند.**

● **به نظر من بهترین روش است دوره انتخاباتی جمهوری اسلامی در خرداد یا مهر (که مردم در سکونت‌گاه‌های خود هستند و وضعیت جوی نیز مناسب است) و نیز در سال‌های زوج باشد و مردم بدانند که دو سال به دو سال در سال‌های زوج انتخابات انجام می‌شود؛ البته این برگزاری دوساله با حاشیه‌ای نیز همراه است که اگر دوره ریاست‌جمهوری ناتمام ماند، شاکله این زمان‌بندی برهم می‌خورد.** برای این مسئله نیز پیشنهادهایی وجود دارد که باید بررسی شود.

● **اول دولت باید الیحه‌ای تنظیم و به مجلس ارائه کند و در صورت تصویب اجرایی شود و اگر سرعت عمل داشته باشیم در انتخابات دوره بعدی مجلس می‌توانیم از آنها بهره بگیریم.**